

خبر

رییس فدراسیون بدمیتون:

به ورزشکاران المپیکی ۲۰میلیون پاداش می‌دهم

■ رییس فدراسیون بدمیتون اعتقادی به مصاحبه و گفت‌وگو با رسانه‌ها ندارد. این را او در نشست خبری خود می‌گوید. محمدرضا پوریا در حالی در آستانه مسابقات معتبر و باسابقه بین‌المللی جام فجر نشست خبری می‌گذارد که به خبرنگاران می‌گوید فقط به‌خاطر توضیح درخصوص سطح کمی و کیفی این رقابت‌ها پاسخگوی سوالات آنهاست. محمدرضا پوریا بر این باور است بیشتر به کارهای اجرایی اعتقاد دارد و همکاری با رسانه‌ها را وظیفه دبیر و روابط عمومی فدراسیون می‌داند. او دبروز در کنفرانس مطبوعاتی خود در واکنش به این پرسش که چرا به ندرت جواب خبرنگاران را می‌دهید، گفت: «هن اعتقادی به نشست خبری فدراسیون ندارم که یک رئیس بیاید و بگوید چه کار کرده یا چه کار نکرده است، بلکه این مسوولیت با روابط عمومی است. زمانی هم که خودم در روابط عمومی بودم، چنین مسوولیتی را بر عهده داشتم. من نمی‌توانم زمانی که با وزیر ورزش جلسه دارم و خبرنگاری با من تماس می‌گیرد بگویم بعد تماس بگیرید توضیح بدهد.» پوریا برگزاری رقابت‌های بین‌المللی دهه فجر را بزرگ‌ترین رویداد ورزشی ایران در دهه فجر عنوان کرد و ادامه داد: «بجست و دومین دوره این مسابقات از ۲۷ تا ۳۰ بهمن در تهران برگزار می‌شود. این رقابت‌ها جزو مسابقات سطح اول ثبت شده در تقویم جهانی است. حضور ۲۵ کشور از قاره‌های مختلف باعث شده تا هر ساله بتوانیم میزبان بزرگ‌ترین رویداد ورزشی ایران در جام فجر باشیم. با توجه به اینکه این‌باری‌ها ورودی المپیک دارد، نسبت به سال قبل از کیفیت بهتری برخوردار است و استقبال تیم‌ها بهتر بوده است.» رییس فدراسیون بدمیتون به رازینی‌هایی که برای افزایش جایزه نقدی جام فجر کرده است، اشاره می‌کند. «سوال سالیانه جایزه این رقابت‌ها از پنج هزار دلار به ۱۵هزار دلار افزایش یافته است. تادو، سه سال دیگر و با نظر فدراسیون جهانی نیز این مبلغ تا ۵۰هزار دلار افزایش خواهد داشت.» او با اشاره به اینکه مسابقات بدمیتون بین‌المللی دهه فجر جزو رقابت‌های انتخابی المپیک به حساب می‌آید، ادامه داد: «این مساله باعث شده تا بازیکنی با رنژیکتی بالای دار در این رقابت‌ها شرکت کنند. بازیکنان ایرانی به‌خصوص شاحسینی، مهرابی، اسکندری و خردمندی هم می‌توانند از این مسابقات پسرای بالا بردن رنژیکت جهانی خود جهت کسب سهمیه المپیک استفاده کنند البته، این به این معنا نیست که می‌توان برای المپیکی شدن کار در از همین تهران تمام کرد.» وی در پاسخ به این سوال که چرا هزینه شرکت در مسابقات ورودی المپیک به بدمیتون‌بازان داده نمی‌شود؟ گفت: «ما اعلام کردیم که هر کس ورودی المپیک را کسب کند، ۲۰میلیون تومان به او پرداخت خواهد شد، اما تلیلی نمی‌دیدم که هزینه هر بدمیتون‌بازی که در ورودی المپیک شرکت می‌کند را پرداخت کنیم، چون به‌طور مثال اگر سه یا چهار ورزشکار به مسابقات اعزام شوند نزدیک به ۲۰۰میلیون تومان برای فدراسیون هزینه بر می‌دارد.» کارشناس وزارت ورزش و جوانان همچنین در پاسخ به این پرسش که چرا مسابقات با این بزرگی را در سالن بهتری برگزار نمی‌کنید، گفت: «در حال حاضر فقط سالان بدمیتون شرایط مناسبی برای برگزاری مسابقات را دارد، اگرچه این سالن برای همه حضور تماشاگر فضای زیادی ندارد اما توجه به برخی ویژگی‌ها برای برگزاری مناسب دیدارهای بدمیتون باعث شده اسمال هم این سالن را برای میزبانی انتخاب کنیم. شاید از سال آینده سالن بازی‌ها تغییر کند.» پوریا با بیان اینکه این فدراسیون در طول سال برگزارکننده رقابت‌های زیادی در رده‌های سنی مختلف و در هر دو بخش مردان و زنان همراه با کلاس‌های آموزشی است، یادآور شد: «به تشکیل آکادمی بدمیتون هیچ اعتقادی ندارم چون روی تشکیل مدرسه بدمیتون برنامه‌ریزی کردیم. تاکنون این مدرسه در خراسان‌رضوی، سمنان، تهران و زنجان ساخته شده و تشکیل آن برای خراسان‌شالی، کردستان، اصفهان و فارس هم برنامه‌ریزی شده است.» ابوالفضل مهاجریتختیاری دبیر فدراسیون بدمیتون و مدیر فنی تیم‌های ملی این رشته نیز در این نشست در مورد انتقادات اخیر شاحسینی توضیح داد: «انتقاد این بازیکن به چگونگی برگزاری مسابقات بود درحالی که بازیکنان شرح وظایفی دارند و باید طبق آیین‌نامه عمل کنند. ما پیش از این هم به او تذکر داده‌ایم که زیر نظر هیات استانی خود و طبق آیین‌نامه ابلاغی بازی کند و فدراسیون به بازیکن جویاگو نیست. به همین دلیل با شاحسینی برخورد کردیم و ضمن جریمه نقدی، تخلف وی را در برونده ثبت کردیم.» مدیر فنی تیم‌های ملی بدمیتون در مورد چگونگی ادامه همکاری سرمربی تیم مردان و حریف تمرینی تیم بانوان گفت: «در حال حاضر قرارداد آنها تااردیبهشت ماه تمدید شده‌است ضمن اینکه مسابقات دهه فجر تعیین کننده تمدید دوباره این قرارداد است.» اوگولدا، اندونزی، افغانستان، جمهوری آذربایجان، مالزی، عراق و سوریه کشورهایی هستند که نمایندگان آنها در بخش مردان مسابقات بدمیتون بین‌المللی دهه فجر شرکت می‌کنند. تیزور، مراکش، مکزیک، نیجریه، انگلستان و دانمارک هم فقط در بخش بانوان این دوره از رقابت‌ها حضور خواهند داشت. پرو، یونان، ترکیه، اتریش، کلتاد، سربلانکه هند، فرانسه، ژاپن، آفریقای جنوبی و تر کمستان کشورهایی هستند که بدمیتون‌بازان آنها در هر دو بخش مردان و زنان رقابت خواهند داشت.

گفت‌وگو با ابراهیم قاسمیپور سرمربی سابق داماش

روابط ناسالم فوتبال ایران را نابود کرده

ابراهیم قاسمیپور سال‌ها از فوتبال ایران در حال کار کردن به‌عنوان مربی است.

اما در هر تیمی بیشتر از مدت‌کوتاهی نتوانسته‌تواند به مشکل برخوردده‌است. در آخرین نمونه در حالی که به وضع داماش سروسامان داده بود، مجبور به جدایی از تیم شد. چون اصول مربیگری او زیر پا گذاشته شده بود. به‌طوری‌که او یک اصولگراست و برای خودش قوانین سفت و سختی دارد که برای هر مدیرعامل قابل قبول نیست. به قول خودش از حالا در فهرست سیاه فصل بعد است و هیچ تیمی سراغ او نمی‌آید. هر چند در این مدت کوتاهی که از جدایی‌اش از داماش می‌گذرد، دو تیم سراغ او آمدند که هر دو را به دلیل همان اصولگرایی قبول نکرد. با قاسمیپور در مورد فوتبال ایران به‌خصوص آبادان و روابط ناسالم در فوتبال ایران صحبت کردیم.



پویان امیری

■ **جوان‌ترین بازیکن تیم‌ملی فوتبال در جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین فوتبال را از کجا شروع کرد؟**

■ به بچه آبادان هستم و مثل تمام پسر بچه‌های این شهر عاشق فوتبال بودم. از هفت یا هشت سالگی با توپ پلاستیکی‌ای که آن زمان محبوب همه بچه‌های آبادان بود، فوتبال را شروع کردم. بین محل زندگی ما و استادبوم آبادان زمین‌هایی بود که به آن گران‌شاپور یا همان زمین‌های شاپور می‌گفتند، ما در آن زمین‌ها فوتبال بازی می‌کردیم و در آن رشد پیدا کردیم.

■ **چه زمانی به تیم باشگاهی پیوستی؟**

■ در آن زمان در آبادان تیم‌های فوتبال زیادی بود که محلی بودند و هر محله از این تیم‌ها زیاد داشت. اکثر فوتبالیست‌های معروف شهر که در باشگاه‌ها بازی می‌کردند، معمولا به محلات سر می‌زدند و بازیکنان خوب را می‌دیدند و آنها را جذب باشگاه‌ها می‌کردند. اولین تیمی که من در آن بازی کردم، تیم جاوید بود، بعد از تیم جاوید در تیم‌های آموزشی شهر و استان بازی کردم و کم‌کم به تیم‌ملی جوانان هم دعوت شدم؛ همان زمان به تیم‌ملی بزرگسالان هم دعوت شدم.

■ **آیا میان جذب یک بازیکن در گذشته و زمان حال تفاوت زیادی وجود داشت؟**

بله، الان که اکثر ا با رابطه بازیکن انتخاب می‌شود و بازیکنان ضعیف را به راحتی به تیم‌های بزرگ می‌برند. زمانی که ما در آبادان بازی می‌کردیم، این گونه بود که به طور مثال عبدالله بزمه یکی از بازیکنان چهره آن زمان که همسوره علی پروین بود، بازیکنان خوب محلات را می‌دید و به باشگاه معرفی می‌کرد. آن زمان هم که خبری از پول نبود که بگویند به‌خاطر پول این کار را می‌کنند. یک نکته جالب در مورد فوتبال آبادان آن زمان این بود که به‌خاطر نبودن پول و دغدغه‌های مالی خیلی از علاقمندان به فوتبال مشغول تیم‌داری بودند و تیم‌های بسیار خوبی هم آن زمان وجود داشت که حتی مسابقات باشگاهی زیادت، بلکه برگزار می‌کردند؛ صنعت نفت، تیم‌های پای خود را از همین نفرت محلی انتخاب می‌کرد.

■ **الان این تیم‌ها وجود ندارد؟**

■ الان به خاطر مشکلات مالی و دردهای زیاد، دیگر خبری از این تیم‌های محلی نیست، برای به حرکت در آوردن یک تیم پول زیادی می‌خواهد که الان این پول در اختیار افراد علاقه‌مند نیست. ضمن اینکه زمین‌هایی که ما در آن بازی می‌کردیم، الان ساخت و ساز شده است و دیگر زمینی وجود ندارد که بچه‌ها در آن رشد پیدا کنند و به سطوح بالاتر برسند. دیگر آن روابط سالم وجود ندارد و بسیاری از مسایل از استعداد و سطح فنی بازیکن هم تر است.

■ **جنگ تحمیلی رقدر روی فوتبال آبادان تاثیر گذاشت؟**

تاثیرات جنگ بسیار زیاد بود، به هر حال به نوعی آبادن شهر مرزی محسوب می‌شد و با آغاز جنگ خیلی چیزها نابود شد و مردم از شهر رفتند، اما مقب‌بماندگی فوتبال آبادان به خاطر جنگ نبود. یکی از عوامل مهم نبودن سرمایه‌گذار و شرکت‌های بزرگ بود، هیچ فردی و شرکتی حاضر به سرمایه‌گذاری در شهر نبود. متأسفانه در حال حاضر تنها تیم صنعت نفت باقی مانده است و چیزی از آن تیم‌های محلی هم نیستند. الان در اهواز یک شرکت فولاد خوزستان است که بخش حرفه‌ای فوتبال را در پیش گرفته است، اما در کنار آن تیم‌های زیاد محلی و باشگاهی هم هستند که در شهر اهواز به رقابت‌های درون‌شهری جلوه خاص دارند. اما از آبادان از این خبرها نیست و همین باعث شده صنعت نفت به‌عنوان یک تیم قدیمی و برطر فشار مشکلات زیادی داشته باشد.

■ **به عنوان یک آبادانی که طرفدار صنعت نفت هم هستید مشکلات این تیم چیست؟**

من چند سال در صنعت نفت مربیگری کردم و زمانی هم که در این تیم نبودم، با مدیران این تیم روابط نزدیکی داشتم‌ام و به خوبی مشکلات تیم را درک می‌کنم. اولین و بزرگ‌ترین مشکل این تیم پول است، متأسفانه من را ببر آنجا وقتی رسیدم یک تیم فوتبال دیدم که تیم الاهلی درحال تمرین است و روشن و نظری که سال گذشته به امارت آمده بودند در این تیم در حال تمرین کردن هستند، بعد ماجرا را برای آنها تعریف کردم که گفتند با ما به هتل شرایتون بیا که حشمت مهاجرانی در آنجاست حشمت مهاجرانی در هتل به من گفت که من با شعیخ باشگاه النصر دوست هستم اگر می‌خواهند تنها در همان بازی به هر نتیجه بگردیم، که به‌طور سالم یا غیرسالم، با این تفاضیل



مدیر به هیچ چیزی به غیر از حال خود فکر نمی‌کند و اصلا برنامه‌ای برای بلندمدت ندارد؛ ضمن اینکه هنوز هم در آبادان بحث بازیکن بومی و غریبومی وجود دارد که به نظرم یکی از بحث‌های پیچوده است. زمانی فوتبالیست‌های آبادانی در تیم‌ملی زیاد بودند، اما دیگر خبری از آنها نیست، البته چندین سال است که از فوتبالیست‌های خوزستانی دیگر خبری شنیده نمی‌شود.

■ **اما، چند سال پیش زمان پراکنو، از تیم فولاد خوزستان بازیکن زیاد در تیم بود؟**

■ قضیه آن موقع فرق می‌کرد. زمانی که برانکو در تیم‌ملی بود، بگویی هم در فولاد خوزستان مربیگری می‌کرد. به گفته یکی از مدیران فولاد خوزستان، برای هر ملی‌پوش که از فولاد خوزستان به تیم‌ملی معرفی می‌شد، ۱۰هزار دلار به قرارداد بگویی اضافه می‌شد؛ به راحتی می‌توان رابطه تعداد زیاد ملی‌پوشان فولاد در تیم‌ملی را پیدا کرد. بعد از رفتن بگویی از این تیم، دیگر خبری از بازیکنان فولاد در تیم‌ملی نبود. این هم یک نشانه از فوتبال ناپاک ما که باعث شد این اتفاقات بیفتد.

■ **آقای قاسمیپور به دورانی بگردیم که شما فوتبالیست بودید، با تمام استعدادی که داشتید، آن پیشرفت لازم را شمانداشتید؟**

■ این حرفتان را از حدودی قبول ندارم. من از ۱۷سالگی در تیم ملی بودم و در ۲۱سالگی در جام‌جهانی بازی کردم؛ این نشانه‌های خوبی برای پیشرفت است. شما به یک نکته باید توجه کنید، نسل ما نسل سوخته است. زمانی که فوتبال ما به دوران اوج خود نزدیک شد، اتفاقات مهمی در تاریخ کشور ما افتاد؛ انقلاب و جنگ تحمیلی. بنابراین شرایط ایجاب می‌کرد که فوتبال نسبت به مسایل دیگر، کمتر مورد توجه قرار گیرد. برای همین من هم سال ۱۳۵۸ به خارج از کشور رفتم و از ۱۳۷۲تندیک به ۱۵ سال در خارج از ایران بازی کردم. در بین بازیکنان ایرانی من بانوام‌ترین بازیکن بودم که در خارج از کشور بازی کردم و به نظرم پیشرفت خوبی داشتم. من پیشنهادهای خوبی هم از کشورهای اروپایی مثل بلژیک و تیم افی بروز داشتم، اما به دلیل وابستگی خانوادگی زیاد و پدر و مادر پیری که داشتم، در همان تیم‌های حوزه خلیج‌فارس مثل امارات، قطر و مصر بازی کردم که با هواپیمای یک ساعت تا ایران فاصله داشته باشد.

■ **لحظه‌ای که پاسپورت تم را به پلمس فرودگاه قاهره دادم، آن را در نظر می‌گذاشتید. آنها قول می‌دادند که یک ایرانی به مصر می‌تواند وارد شود. بعد که درگیر شدیم، حدود ۹ ساعت در زیرزمین فرودگاه قاهره بازداشت بودم. بعد از ۹ ساعت ریس باشگاه آمد و من را بیرون آورد. یک نکته باید اضافه کنم. وقتی قطر قانون منع بازیکن خارجی را تصویب کرد، عیدی لهم به قطر بازی می‌کرد و ما هر دو بهترین بازیکن فوتبال قطر بودیم. او از قطر به تیم مارس فرانسه رفت و من هم به مصر رفتم، به خاطر همان علاقه خانوادگی شدید نمی‌خواستیم به اروپا بروم.**

■ **در ایران با مشکل مواجه نبودید؟**

■ آن زمان کشور ما عراق در جنگ بود و اکثر کشورهای عربی از این کشور حمایت می‌کردند. مصر هم از این کشورها بود. وقتی به ایران می‌آمدم چند باری در فرودگاه از من سوال شد که در مصر چه‌کار می‌کنی و من هم توضیح دادم، چون چهره به نسبت شناخته‌شده‌ای بودم، زیاد سخت گرفته‌نشدم. من فکر کنم یکی از معدود ایرانی‌هایی هستم که در ۳۰ سال گذشته مصر را دیده‌ام. البته در مصر مشکلات زیادی بود. اول اینکه خط تلفنی مستقیم بین ایران و مصر نبود، برای همین هم اول من به دویب زنگ می‌زدم و بعد آنها به ایران تا یک خبری از خانواده به من نرسد. برای همین خیلی دیر متوجه شدم که مادرم فوت کرده است.

■ **چرا از مصر پرس‌چشمه نرفتید؟**

چون آنجا هم قانون منع استفاده بازیکنان خارجی را به اجرا گذاشتند؛ ضمن اینکه پسرهم ما امتحانات آخر سالش بود و باید سه ماه آخر سال را در ایران می‌گذراند. ضمن اینکه من علت خیلی مهم دیگری داشتم، مادرم که فوت کرده بود و پدرم هم بیمار بود، برای همین دوست داشتم حداقل چند صبح‌ای کنار پدرم باشم. من در سال ۱۹۸۸ با تیم مصری شهر بورسعيد تا فینال هم رسیدم و به همین تیم الاهلی برخورددم که بازی بسیار حساس و برای من افتخار بزرگی بود.

■ **بعد از مصر چه کار کردید؟**

همان زمان قاهر اعلام کرد بازیکنان خارجی می‌توانند در لیگ قطر بازی کنند، من هم به تیم السد قطر پیوستم و پنج سال در آنجا بازی کردم. با السد در سال ۱۹۸۷ قهرمان آسیا شدم. دو سال هم در تیم دیگری بازی کردم.

■ **در این مدت برای تیم ملی بازی کردید؟**

سال اول که به‌خارج رفتم، برای بازی تیم‌ملی به ایران برگشتم که واقعا با وضع بدی مواجه شدم، از طرفی پولی که در بانک آبادان داشتم، نمی‌استم چار بلوکه شد و وضعیت بد خانوادگی برای من رخ داد، چون هیچ پولی نبود که من بتوانم خانواده را تحت پوشش قرار دهم، از طرفی موقع برگشتن از مرز



عکس: آندین رهبر، شرف

هوایی نتوانستم خارج شوم، برای همین در یک وضع بسیار بد از مرز زمینی تر کیه رفتم، به این دلیل دیگر به تیم‌ملی نبرگشتم.

■ **بعد از شما بازیکنان زیادی به کشور‌های عربی به‌خصوص قطر آمده بودند؟**

■ زمانی که من رفتم، بعضی از بازیکنان گفتند بازیکنانی که به خارج رفتند، خائن هستند و مملکت خودشان را فروختند. اما بعداز چند سال آنها هم به قطر آمدند که حتی بعضی از بازیکنان مثل مجید نامجومطلق، حسین فکری، چنگیز و قلعه‌نویی را ۵۵هزار درهم به من پول داد. دو سال هم در آن تیم ماندم و بعد به النصر رفتم.

■ **چند سال در امارات بودید؟**

■ دو سالی در النصر بودم که قانونی در امارات تصویب شد که تیم‌های اماراتی نمی‌توانند از فصل بعد بازیکن خارجی بگیرند، این درحالی بود که تازه مبلغ قرارداد‌های من خوب شده بود و به اندازه یک بازیکن درجه یک پول می‌گرفتم.

■ **بعد از امارات به قطر رفتید؟**

■ بله، بعد از آن به تیم العربی قطر رفتم. دو سال که آنجا بودم، در قطر قانون منع حضور بازیکن خارجی تصویب شد، من برای سه ماه به ایران آمدم.

■ **در این مدت از باشگاه‌های ایرانی پیشنهاد نداشتید؟**

دوست داشتم استراحت کنم و برای همین هم اگر پیشنهادی می‌شد زیاد جدی نمی‌گرفتم. در همین موقع یک پیشنهاد از مصر داشتم که سریع قبول کردم. به تیم مصری شهر بورسعيد رفتم که چند وقت پیش در ورزشگاهش ۷۴ تماشاگر کشته شدند.

■ **با توجه به مشکلات سیاسی بین ایران- مصر، آنجا مشکلی نداشتید؟**

■ لحظه‌ای که پاسپورتم را به پلیس فرودگاه قاهره دادم، آن را در سطح اشغال انداختند. آنها قبول نمی‌کردند که یک ایرانی به مصر می‌تواند وارد شود. بعد که درگیر شدیم، حدود ۹ ساعت در زیرزمین فرودگاه قاهره بازداشت بودم. بعد از ۹ ساعت ریس باشگاه آمد و من را بیرون آورد. یک نکته باید اضافه کنم. وقتی قطر قانون منع بازیکن خارجی را تصویب کرد، عیدی لهم به قطر بازی می‌کرد و ما هر دو بهترین بازیکن فوتبال قطر بودیم. او از قطر به تیم مارس فرانسه رفت و من هم به مصر رفتم، به خاطر همان علاقه خانوادگی شدید نمی‌خواستیم به اروپا بروم.

■ **مشکل شاعر داماش چه بود؟**

■ من خیلی دوست‌تانه از داماش جدا شدم و نمی‌خواهم زیاد این مسایل را باز کنم. وقتی کارم را در داماش شروع کردم، آقای عبدینی گفت بیایید اینار کنیم، مشکلات مالی که الان وجود دارد تا دو ماه دیگر حل می‌شود. من می‌دانستم که این مشکلات حل نمی‌شود. ما تیم را از جایگاه بسیار بدی که داشتیم به رده‌های مناسبی رساندیم، اما حرف‌های ضدوقتی‌کی که بعد از آن در مصاحبه‌ها زده شد، باعث شد که تیم به هم بریزد. باعث ایجاد مشکلاتی در تیم شود و جو آرام تیم را به هم بریزد. این می‌شود یا می‌پولی کار کرد، اما دروغ نمی‌شود. متأسفانه آقای عبدینی هم بهتر است یک تیم بعد از از دست‌رفتن ارماش تیمی می‌شد. البته مسایل فنی هم در جانشدن من دخیل بود، ما در دو پست دفاع وسط و مهاجم احتیاج به بازیکن داشتمیم که به این نکته را بارها من تذکر دادم، اما بعدللی مشکلات مالی آقای عبدینی نتوانستند بازیکن بگیرند و من هم می‌دانستم، در تیم فولاد دچار مشکل می‌شود، برای همین از تیم جدا شدم. بعد از آنجا به مس پرس‌چشمه نرفتم؟

■ زمانی که من در داماش نبودم، از طرف باشگاه مس سرچشمه با من تماس گرفتند، گفتم اجازه بدهید در نیفصل که به احتمال زیاد از داماش جنا می‌شوم، در این مورد صحبت می‌کنیم. با آقای شرفی که مدت‌ها مربی من بودند و در امارات هم روابط نزدیکی داشتمیم، صحبت کردم. ایشان هم اصرار داشتند که به مس سرچشمه بروم. اما واقعا فکر نمی‌کردم برای این تیم مفید باشم و برای همین خیلی صافقانه به آنها گفتم، پولی که به من بدهید، ریختند در جوی آب، بهتر است با آقای شرفی ادامه بدهید. آنها حتی بازیکنان مناسبی هم در نیفصل نگرفته بودند. شرفی به من گفت که این بازیکنان را در نیفصل به ما نداداختند و اصلا بازیکنان مناسب را در پست‌های که لازم داشتیم، نگرفتیم، با این شرایط تصمیم گرفتم قبول نکنم.

ادامه در صفحه ۱۷

خبر

تیم کشتی آزاد ایران نایب‌قهرمان جام یاشاردوغو شد

■ تیم منتخب ۱۲ نفره کشتنی آزاد ایران در پایان رقابت‌های بین‌المللی جام یاشاردوغو که با حضور ۱۶ کشور دنیا در شهر آنکارا ی ترکیه برگزار شد، با کسب ۴۴ امتیاز پس از ترکیه که با ۶۴ امتیاز به مقام قهرمانی رسید، دوم شد و تیم‌های آذربایجان و قرقاستان با ۳۶ و ۳۰ امتیاز سوم و چهارم شدند. در پایان این رقابت‌ها تیم ایران با یک مدال طلا توسط جمال میزایی در وزن ۸۴ کیلوگرم، یک مدال نقره توسط فردین معصومی در وزن ۱۲۰ کیلوگرم و چهار مدال برنز توسط سیداحمد محمدی، میثم نصیری، مصطفی جوکار و جابر صائق‌زاده در وزن‌های ۸۴،۶۶، ۱۲۰ و کیلوگرم به کار خود پایان داد. در آخرین روز از چهلمین دوره رقابت‌های بین‌المللی کشتنی آزاد جام یاشاردوغو، علی اصغر عبدالملکی، نماینده کشورمان که در وزن ۹۶ کیلوگرم پس از استراحت در دور نخست در دور دوم مقابل ارسلان بیک از روسیه به دلیل رفتار غیرورزشی (حرکت خشن) پیروز شده بود و در مرحله یک‌چهارم نهایی نیز حریف ترک خود را شکست داده بود در نیمه نهایی برابر شریف شریفاف، کشتی‌گیر نامدار آذربایجانی در دو تایم و با نتایج ۳بر صفر و ۴ بر صفر شکست خورد و از حضور در فینال بازماند. عبدالملکی برای کسب مدال برنز به مصاف فاروق آگویی از ترکیه رفت که در سه تایم و با نتیجه صفر بر یک، یک بر صفر (کلینچ) و بر ۲ مقابل حریف ترک شکست خورد و به مقام پنجمی رقابت‌ها بسنده کرد. همچنین حامد طالبی دیگر نماینده کشورمان در وزن ۹۶ کیلوگرم در دور اول با شکست از حریف ترک خود از دور رقابت‌ها کنار رفته بود. میثم نصیری در وزن ۶۶ کیلوگرم شوم شد و محمد نادری در همین وزن نتوانست صاحب مدالی شود.

آخرین قیمت برای خرید پیراهن و کفش «زاید»

■ یک هوادار پرسپولیوس از یکی از کشورهای حوزه‌خلیج‌فارس تا امروز بالاترین پیشنهاد مالی را برای خرید پیراهن و کفش‌های زاید به باشگاه پرسپولیوس ارائه داده است. به گزارش مهر، پسر از آنکه مهاجم ایرلندی تیم فوتبال پرسپولیوس پس از ۲۸ سال موفق به هت‌تریک در هفتاد و چهارمین دیدار تیم‌های فوتبال استقلال و پرسپولیوس شد، مسوولان باشگاه پرسپولیوس پیراهن و کفش وی را به حراج گذاشتند تا هواداران این تیم با بالاترین پیشنهاد خود موفق به خریداری پیراهن و کفش وی شوند. این موضوع باعث شده هواداران پرسپولیوس از سراسر جهان قیمت‌های پیشنهادی خود را به باشگاه پرسپولیوس ارائه دهند که تا این لحظه بالاترین پیشنهاد را یک هوادار از یکی از کشورهای حوزه خلیج‌فارس داده که این پیشنهاد مالی شامل چهارمیلیون و صدوهار تومان برای پیراهن زاید و دومیلیون و صدوهار تومان نیز برای کفش‌های وی است. باشگاه پرسپولیوس روز سه‌شنبه را آخرین فرصت هواداران برای ارائه و ارسال پیشنهادات‌شان اعلام کرده است. ایمون زاید، مهاجم ایرلندی تیم فوتبال پرسپولیوس که در دیدار اخیر این تیم با استقلال در دقایق پایانی وارد میدان شده بود توانست با سه گلی که وارد دروازه استقلال کرد، باخت ۲ بر صفر تیمش را با پیروزی ۳ بر ۲ عوض کند.

غلامرضا محمدی: از آمریکا، کانادا و جمهوری آذربایجان پیشنهاد دارم

■ سرمربی سابق تیم‌ملی کشتی آزاد گفت: به هیچ‌وجه دوست ندارم حرمت‌ها در کشتی شکسته شود. غلامرضا محمدی که برای حضور در دیدار فوتسال بین تیم‌های هنرمندان و منتخب ارستان، در خرم‌آباد حضور داشت در گفت‌وگو با ایسنا گفت: اگر بعد از استعفایم از تیم‌ملی تا حالا سکوت کرده‌ام، برای این بوده که جو کشتی به هم نخورد چون معتقدم هرچه شرایط و جو آرام‌تر باشد به کشتی نفع است. وی با بیان اینکه سه سال با تیم‌ملی زندگی کرده‌ام، ادامه داد: اگر جسمم در اردو نیست اما روحم کنار تیم بوده و جانم وابسته به این تیم است. چه در تیم‌ملی باشم و چه نباشم آرزو دارم کشتی در المپیک موفق شود. محمدی با تاکید بر وجود آرامش در کشتی عنوان کرد: باید سعی کنیم آرامش به کشتی برگردد و همه باید برای این تیم تلاش کنند. سرمربی سابق تیم‌ملی کشتی آزاد با اشاره به اتفاقات رخ داده در یک ماه گذشته در کشتی و استعفايش اضافه کرد: آقای خادم از بزرگان کشتی کشور و دنیا هستند اما تیم را در شرایطی تحویل گرفتمیم که یازدهم المپیک و هفتم جهان بود. در بهترین شرایط آن را تحویل دادمیم و فکر می‌کنم بهتر است یک تیم بعد از از دست‌رفتن آرامش تغییر و تحول شود تا اینکه چند ماه قبل از المپیک این شرایط ایجاد شود. وی در پاسخ به سواي مبنی بر اینکه صحبت‌هایی برای بازگشتش به تیم‌ملی شده، جواب داد: از سه پیشنهاد کشورهای خارجی خبر داد و تصریح کرد: پیشنهادی رسمی از کانادا دارم و فدراسیون این کشور تمام شرایط را برای من مهیا کرده که هرچه سریع‌تر این کار را انجام دهم. آمریکا و آذربایجان هم پیشنهادهایی داده‌اند که هنوز تصمیم قطعی را نگرفته‌ام، اما مطمئن باشمید در المپیک هستم. دارنده دو مدال نقره جهان، تاکید کرد: با تمام وجود دوست دارم در خدمت کشتی مملکتیم باشم و امیدوارم در شرایطی مسالمت‌آمیز به توافق برسیم و سونت‌تاهات برطرف شود.